

تنش بین المللی بستگی دارد. یکی از اینها و یکی از خطرناکترین آنها خاورمیانه است. در شرایط بین المللی که می توان آن را آغاز گذار از جنگ سرد به تنش زدایی نامید، به ویژه مهم و حیاتی است که همه کشورهای سیاستی را اتخاذ کنند که در آن از تحمل تجاوز خودداری کنند و در مقابل هر اقدامی که به سمت تصاحب اراضی از طریق اقدامات تجاوزکارانه حرکت می کند، موضع قاطعانه اتخاذ کنند. تنها راه ممکن برای سازماندهی مجدد روابط بین دولت ها بر اساس صلح، عدالت، برابری، منافع متقابل و پیشرفت کلی این است که اطمینان حاصل شود که متجاوز در هیچ موردی هرگز از طریق اقدامات منفعتی کسب نخواهد کرد.

گرومیگو، وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی، در سخنرانی خود در نشست عمومی بیست و نهمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، A.O.A. اظهار داشت: «برخی افراد سعی می کنند موضع شوروی را یک طرفه نشان دهند طوری که تنها منافع کشورهای عربی را تأمین می کند. بله، ما از خواسته های مشروع اعراب حمایت می کنیم و ادامه خواهیم داد. اما اشتباه است که در موضع خود این طرف قضیه را به تنهایی ببینیم. وقتی می خواهیم مطمئن شویم سرزمین هایی که با زور فتح شده اند، به جایزه ای برای متجاوز تبدیل نمی شوند، این از نظر محتوایی از چارچوب خاورمیانه فراتر می رود. به طور کلی نشان دهنده عدم تحمل پرخاشگری است. بنابراین این یک مسئله اصلی بین المللی است، یک مسئله ثبات سیاسی».

یکی از دلایلی که اتحاد جماهیر شوروی مشتاق دیدن صلح پایدار در خاورمیانه است این است که این منطقه مستقیماً با مرزهای جنوبی آن مجاور است. طبیعی است که فقدان ثبات و خطر دائمی دود شدن منطقه مستقیماً در تضاد با منافع اتحاد جماهیر شوروی باشد.

اینها ملاحظاتی است که این ایده را ایجاد کرده است که همه کشورهای که خواهان صلح هستند توجه خود را بر از بین بردن منابع باقیمانده جنگ، به ویژه تشویق به حل و فصل منصفانه و بادوام در خاورمیانه متمرکز کنند - بخشی ارگانیک از فهرست فوری ترین جنگ ها و مهمترین اقداماتی که در برنامه صلح مصوب بیست و چهارمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و برنامه مبارزه بیشتر برای صلح و همکاری بین المللی برای آزادی و استقلال خلق ها که توسط کنفرانس بیست و پنجم آن تصویب شد، ترسیم شده است.

موضع اتحاد جماهیر شوروی در قبال مناقشه خاورمیانه نشان می دهد که سیاست تنش زدایی و سیاست آن در حصول اطمینان از اینکه جنگ هرگز به عنوان وسیله ای برای حل و فصل مسائل معوق بین دولت ها مورد استفاده قرار نخواهد گرفت، حداقل در تضاد نیست، بلکه برعکس، به طور ارگانیک با سیاست اساسی آن در حمایت از نیروهای آزادیبخش ملی تحت حمله امپریالیسم مرتبط است.

راه صلح در خاورمیانه چیست؟ اتحاد جماهیر شوروی از طریق از بین بردن پیامدهای حمله اسرائیل به کشورهای عربی در جریان به اصطلاح جنگ شش روزه ۱۹۶۷ پیش رفته است و اکنون نیز در همین مسیر

است. تا زمانی که وضعیت موجود پس از ۱۹۶۷ حفظ شود، وضعیت انفجاری در خاورمیانه حاکم خواهد بود. این نتیجه گیری از اهمیت اساسی برخوردار است، زیرا چندین سیاستمدار غربی هنوز هم دارند از این واقعیت پیروی می کنند که وضعیت به تدریج آرام می شود و بحران خاورمیانه از بین می رود و تهدید کمتری برای صلح جهانی ایجاد می کند. اتحاد جماهیر شوروی همیشه این نوع استدلال را رد کرده است و رهبران شوروی چندین بار قبل از (و در آستانه) اکتبر ۱۹۷۳ و پس از آن نیز این موضوع را روشن کرده اند.

سیاست شوروی در تعیین راه صلح در خاورمیانه بر این درک استوار است که درگیری اعراب و اسرائیل دلایل زیادی دارد: اشغال سرزمین های عربی توسط اسرائیل، انکار حقوق مسلم دیپلماسی شوروی عربی بطور مداوم و بدون اینکه لحظه ای دست از کار بکشد. تنها یک راه حل جامع می تواند به صلح عادلانه و پایدار در منطقه منجر شود. جنبه های کلیدی این مشکل در پیشنهادات شوروی درباره حل و فصل خاورمیانه و در کنفرانس صلح ژنو که در ۲ اکتبر ۱۹۷۶ منتشر شد، به شرح زیر بیان شد:

۱. خروج نیروهای اسرائیلی از تمام اراضی عربی اشغال شده در سال ۱۹۶۷.

۲. تحقق حقوق مسلم مردم عرب فلسطین از جمله حق تعیین سرنوشت و ایجاد کشور خود.

۳. تضمین حق موجودیت مستقل و امنیت همه کشورهای که مستقیماً درگیر درگیری هستند - همسایگان عرب اسرائیل از یک سو، خود اسرائیل از سوی دیگر - و اعطای تضمین های بین المللی مناسب به آنها.

۴. پایان دادن به وضعیت جنگ بین کشورهای عربی مربوطه و اسرائیل.

اینها جنبه های حل و فصلی است که اتحاد جماهیر شوروی پیشنهاد کرد تا به عنوان دستور کار کنفرانس صلح ژنو در نظر گرفته شود، با اشاره به اینکه این دستور کار «حقوق و منافع مشروع همه طرف های درگیر مستقیماً در مناقشه را در نظر می گیرد - کشورهای عربی، مردم عرب فلسطین و دولت اسرائیل».

اتحاد جماهیر شوروی همواره مبارزه ای اصولی علیه سیاست توسعه و تجاوز اسرائیل انجام داده است. در همان زمان، اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۴۸ حق تعیین سرنوشت جمعیت یهودی فلسطین را به رسمیت شناخت و از آن حمایت کرد و در این زمینه استحکام سیاست شوروی همیشه مشهود بوده است. بیانیه ای که در ژوئیه ۱۹۷۰ در نشست شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی به تصویب رسید، چنین می گوید: «شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی بر این باور است که هر کشوری در خاورمیانه حق وجود مستقل ملی، استقلال و امنیت را دارد.»

نکته دیگری نیز مشهود است: غیرممکن است که یک قوم از حق تعیین سرنوشت خود به قیمت حق

مردم دیگر برای اعمال تعیین سرنوشت خود استفاده کند. به همین دلیل است که اتحاد جماهیر شوروی در کنار به رسمیت شناختن حق موجودیت اسرائیل به عنوان یک کشور، مبارزه ای اصولی انجام می دهد تا مردم فلسطین بتوانند از حق مشروع خود، تا ایجاد دولت ملی خود استفاده کنند. بدون این، حل و فصل مسالمت آمیز غیر ممکن است و خاورمیانه به ثبات نخواهد رسید، زیرا مسئله حل نشده فلسطین راه را برای صلح عادلانه و پایدار در این منطقه مسدود می کند.

لئونید برژنف در ۱۸ ژانویه ۱۹۷۷ در تولا در یک صحبتی می گوید: «خاورمیانه به یک حل و فصل پایدار و عادلانه نیاز دارد که به حقوق حیاتی هیچ دولت و هیچ مردمی لطمه نزند. البته اسرائیل به عنوان یک state و یک موجودیت امن حق استقلال دارد. اما همین حق متعلق به مردم عرب فلسطین نیز می باشد.»

راه حل جامع مشکلات موجود در مناقشه خاورمیانه تنها راه واقعی برای حل و فصل است. اما آیا این رویکرد مرحله به مرحله آن را باطل می کند؟ به تنهایی و به طور کامل نه. اتحاد جماهیر شوروی اصولاً اقدامات حل و فصل میانی مربوط به مسائل خاص را رد نمی کند. در شانزدهمین کنفرانس اتحادیه های کارگری شوروی، لئونید برژنف به این نکته اشاره کرد که شاید بتوان خروج چند مرحله ای نیروهای اسرائیلی از تمام سرزمین های اشغالی در طی چند ماه و در مهلت های از پیش تعیین را اجرا کرد. نکته اصلی این است که همه اقدامات «مرحله به مرحله» باید اجزای ارگانیک یک حل و فصل کلی خاورمیانه باشند و در چارچوب چنین حل و فصلی مشاهده و اجرا شود.

برای چندین سال، اتحاد جماهیر شوروی پیوسته در تلاش برای دستیابی به یک راه حل سیاسی مسالمت آمیز برای مناقشه خاورمیانه و تدوین اصول قابل قبولی که بر اساس آن قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل می تواند اجرا شود، فعال بوده است. اتحاد جماهیر شوروی در خلال دیدارها و گفت وگوها با رهبران کشورهای عربی و سازمان آزادیبخش فلسطین، در جریان مشورت با قدرت های بزرگ، اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد یا در جریان رایزنی های دوجانبه با نمایندگان دولت ایالات متحده، سیاست خود را مبنی بر اینکه حمایت از مبارزه کشورهای عربی برای از بین بردن پیامدهای تجاوز اسرائیل و برقراری صلح عادلانه و پایدار در خاورمیانه است و به نفع همه مردم این منطقه می باشد توضیح داده است.

به دلیل رویکرد عینی اتحاد جماهیر شوروی به وضعیت خاورمیانه که مستلزم بررسی مواضع شرکت کنندگان در مناقشه و رایزنی های دوجانبه و چهارجانبه در مورد این موضوع در چارچوب سازمان ملل است، توانست پیشنهادات واقع بینانه و سازنده خود را در مورد حل و فصل سیاسی بحران خاورمیانه در اوایل سال به کشورهای ذینفع ارسال کند و متعاقباً این طرح

